

UlumhadithTwenty-seventh No 2
Summer (Jun-Sep 2022)**فصلنامه علمی علوم حدیث**سال بیست و هفتم شماره ۲ (پیاپی ۱۰۴)
بهار، ص ۵۱ - ۶۶**شبهه مواجهه فقهای متقدم با مفاد احادیث عمار سبابی در کتاب طهارت**مصطفی بارگاهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

عمار سبابی یکی از روایت پرکار در نقل احادیث فقهی است. عمل به احادیث عمار در میان فقهای متقدم همواره مسأله‌ای چالشی بوده است. در این نوشتار ابتدا عوامل تردید فقها در عمل به احادیث عمار سبابی را بر شمرده ایم و سپس با احصای کامل احادیث عمار سبابی در کتاب طهارت، آن‌ها را بر اساس شیوه تعامل فقهای متقدم دسته بندی کرده ایم. آن‌گاه به بررسی شیوه تعامل ایشان با هر دسته از مجموعه احادیث او پرداخته ایم. نشان داده ایم که مواجهه فقها با احادیث عمار، بین اعراض و قبول، متغیر است، و در پایان اثبات کرده ایم که قبول احادیث عمار توسط فقها، همواره در سایه مؤیدات خارج از خود حدیث بوده است. این سبک از مواجهه می‌تواند در کنار بررسی‌های سندی، برای سنجش احادیث، کارآمد باشد.

کلیدواژه‌ها: عمار سبابی، کتاب الطهارة، فقهای متقدم، اعراض، عمل فقها.

مقدمه

عمار بن موسی سبابی صحابی امام صادق علیه السلام و گردآورنده کتابی از احادیث ایشان بوده که امروزه بخش‌هایی از آن در مصادر مختلف به جای مانده است. او یکی از روایت پرکار شیعه شمرده می‌شود که حدود ۲۵۰ حدیث از او بر جای مانده است. این احادیث مشتمل بر حدود چهارصد فرع فقهی هستند. با این همه در نگاه روایت و فقهای متقدم، روایت کردن و یا عمل به احادیث او همواره با چالش روبه رو بوده است. این تردید تا جایی ادامه داشته است که کتاب او تا سه طبقه (حدود صد سال) تنها توسط فطحیان روایت می‌شده است.

۱. دانشجویی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. (mostafabargahi1369@gmail.com)

این فطحیان، به ترتیب تاریخ طبقه، عبارت اند از: مصدق بن صدقه، عمرو بن سعید، احمد بن حسن بن علی بن فضال یا برادرش علی.^۱ از مهم ترین عوامل احتمالی تردید و احتیاط روات بعدی و فقها در مواجهه با احادیث عمار می توان به موارد ذیل اشاره کرد: یک. عمار پس از شهادت امام صادق علیه السلام قایل به امامت فرزند بزرگ ایشان، عبدالله افطح گردیده و فطحی مذهب شد.^۲ معرفی شدن وی به عنوان یکی از چهره های اصلی مذهب فطحیه^۳ می تواند باعث احتیاط روات بعدی و سپس فقها در مواجهه با آثار او شده باشد. دو. از آن جا که عمار ساباطی اصالتی مدائنی داشته^۴ و زبان مادری او در اصل، عربی نبوده و تسلط کافی به زبان عربی نداشته است. از این رو، مشکلاتی در احادیث او پدید آمده که برخی محدثین، از آن تعبیر به تشویش و بدفهمی کرده اند.^۵

سه. احادیث عمار در مقایسه با فتوای فقهای متقدم، مشتمل بر شذوذ فراوانی است. این مشکل در انفرادات وی (احادیثی که غیر از عمار، راوی دیگری ندارند) دو چندان بوده تا آن جا که برخی احادیث وی با هیچ قولی در قدامای شیعه همخوانی ندارد.^۶

پس از ابداع تقسیمات اربعه در احادیث (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) توسط علامه حلی (م ۷۲۶ق)، رویکرد غالب در رویارویی با احادیث، رویکرد سندی - رجالی شد و این رویکرد در میان فقهای متأخر (پس از علامه) بر رویکرد قدمایی چیره گردید. هر چند متأخرین به خاطر اختلاف در توثیق تمامی افراد موجود در سند احادیث عمار یا تضعیف برخی از ایشان، در مورد موثق یا ضعیف دانستن احادیث عمار اختلاف داشتند،^۷ ولی راه ایشان برای قبول یا رد یکپارچه احادیث عمار با قرار داده شدن آن در یکی از این دو قسم هموار شد. البته موافق بودن احادیث او با فتوای مشهور فقها نیز نزد کسی که احادیث او را

۱. رجال النجاشی، ص ۲۹۰؛ الفهرست، ص ۳۳۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۴۲۲.

۲. رجال الکشی، ص ۲۵۳؛ الفهرست، ص ۳۳۵.

۳. الکافی، ج ۱ ص ۳۵۲.

۴. رجال البرقی، ص ۳۶.

۵. مرآة العقول، ج ۱۵ ص ۲۳۳-۲۳۴.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۶۶؛ الامتصار، ج ۱ ص ۶۵ ح ۶.

۷. البته گاهی رویکرد یک فقیه نسبت به احادیث عمار متفاوت بوده است؛ مثلاً علامه در کتاب های خود گاهی احادیث عمار را به خاطر ضعف سند، ضعیف شمرده است (مختلف الشیعة، ج ۲ ص ۳۰۲؛ منتهی المطلب، ج ۱ ص ۱۶۴؛ ج ۲ ص ۲۲۰؛ ج ۳ ص ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۰۴، ۳۴۵؛ ج ۱۱ ص ۴۰۴) و گاهی حدیث او را به خاطر توثیقش و قبول احادیثش نزد اصحاب (علی رغم فطحی بودنش) قبول کرده است (منتهی المطلب، ج ۱ ص ۹۸).

ضعیف می دانست، می توانست عاملی برای قبول آن باشد؛ همان گونه که مخالف بودن احادیث او با مشهور نیز می توانست عاملی در رد کردن این احادیث باشد؛ اما در مقابل، شیوه مواجهه فقهای متقدم با این احادیث بر اصولی بنا شده بود که در این نوشتار بدان می پردازیم.

روش شناسی مواجهه قدما با احادیث از آن جهت اهمیت دارد که می تواند به عنوان شیوه ای کارآمد برای قبول یا رد احادیث فقهی، در کنار بررسی های مرسوم سندی - که شیوه رایج در فقه معاصر است - در اختیار فقیهان قرار گیرد، و چه بسا در مواردی با توجه به فرایندی که در اختیار فقیه قرار می گیرد، حجیت خبر ثقه در آن موارد خاص مورد تردید قرار گیرد. از آن جا که پرداختن به شیوه مواجهه قدما با احادیث عمار در سراسر فقه، از حد یک مقاله فزون تر است، این بررسی را به کتاب الطهارة محدود کرده ایم. تفصیل مستندات فتاویٰ قدما در پایان نامه نگارنده با عنوان «تأثیر روایات عمار بن موسی الساباطی فی کتاب الطهارة» موجود است و در این مقاله نسبت به این بخش، تنها به نشانی آن ها اکتفا می شود.

در این زمینه، پیش از این مقاله یا کتابی در این زمینه نگاشته نشده است. تنها اثر موجود و مرتبط با عمار ساباطی، پایان نامه سطح سه جناب مجتبی وطفیه دوست است که در سال ۱۳۹۷ تدوین شده است. موضوع این اثر، بازسازی کتاب عمار ساباطی است و در آن به مباحثی که در این مقاله مطرح شده، پرداخته نشده است.

۱. روی گردانی (اعراض) فقهای متقدم از احادیث عمار

نوع رایجی از مواجهه اصحاب متقدم با احادیث عمار به صورت اعراض، جلوه گیری کرده است؛ یعنی با این که حدیثی خاص در دسترس ایشان بوده، اما به آن توجهی نکرده و در فتاویٰ خود کمترین تأثیری از آن نپذیرفته اند. شاید در این میان، گاهی دلیل اعراض از حدیث عمار، موافقت آن با فتاویٰ عامه بوده است؛ اما با این حال، احادیثی نیز از او وجود داشته است که این امر در آن ها - دست کم برای ما - مشهود نیست، ولی در عین حال، اعتماد فقهای متقدم را به خود جلب نکرده است.

چهار حکم قابل استنباط از احادیث عمار - که موافق با فتاویٰ عامه هستند - عبارت اند از:
 یک. جواز نزدیکی با زنی که حیض او به اتمام رسیده و تیمم بدل از غسل نموده است؛^۱

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۰۵؛ نیزرک: المقنعة، ص ۵۶؛ الانتصار، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ المعتمر، ج ۱ ص ۲۳۶؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۳۵۰-۳۵۲؛ منتهی المطلب، ج ۲ ص ۳۹۴-۳۹۵.

دو. جواز شستن پاها (به جای مسح) در وضو؛^۱
در این دو حکم، هر چند احادیثی از غیر عمار ساباطی نیز نقل شده است، اما باز هم
فقه‌های متقدم به آن تمایلی نشان نداده‌اند.

سه. وجوب هفت بار شستن ظرفی که سگ از آن مایعی نوشیده یا با آن برخورد کرده است؛^۲
چهار. باطل بودن وضو و نماز کسی که مخرج بول را باز کرده و یا داخل مخرج بول یا غایط
را لمس کرده است.^۳

احادیث دال بر این دو حکم، تنها توسط عمار ساباطی روایت شده است.
چهارده حکم قابل استنباط از احادیث عمار که با وجود موافق نبودن با فتاوی عامه، روی
گردانی فقه‌های متقدم را به همراه داشته است، عبارت اند از:
یک. کفایت کردن غسل‌های چهارگانه جنابت، حیض، جمعه و عیدین (عید فطرو
قربان) از وضو؛^۴

دو. وجوب نزع تمام آب چاه (خالی کردن آن) در صورت افتادن سگ در آن؛^۵
این دو حکم توسط افراد دیگری غیر از عمار نیز روایت شده است.
سه. وجوب نزع تمام آب چاه در صورت افتادن خوک یا موش در آن؛^۶
چهار. جایز بودن نوشیدن بول گاو، شتر و گوسفند برای درمان؛^۷

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۶۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۶۵.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۹ ص ۱۱۶-۱۱۷؛ نیز رک: المسائل الناصریات، ص ۱۰۳؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۴۹۵؛
المقنعة، ص ۶۵. البته حدیثی با مضمون همین حکم در مورد خوک نیز به علی بن جعفر نسبت داده شده است
(تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۶۱).
۳. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۵؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۸۸-۸۹؛ نیز رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۶۵؛ المختصر
النافع، ج ۱ ص ۴؛ کشف الرموز، ج ۱ ص ۶۳-۶۲؛ المعتمد، ج ۱ ص ۱۱۵-۱۱۳؛ تحریر الأحکام الشرعیة، ج ۱ ص
۶۰-۵۹؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۲۵۷-۲۵۹؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱ ص ۱۱-۱۰۷.
۴. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۱؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۱۲۷؛ همچنین رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۸۱؛ فقه
الرضا^{علیه السلام} ص ۸۲؛ الهدایة، ص ۹۱-۹۲؛ المقنعة، ص ۵۳؛ الکافی فی الفقه، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ النهایة، ص ۲۳؛ الجمل و
العقود فی العبادات، ص ۴۵؛ مصباح المتبجد، ج ۱ ص ۱۱؛ الخلاف، ج ۱ ص ۱۳۱-۱۳۲؛ إصباح الشیعة، ص ۳۴؛
المختصر النافع، ج ۱ ص ۹؛ المعتمد، ج ۱ ص ۱۹۵-۱۹۶؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۳۳۹-۳۴۲.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۴۲، ۲۸۴-۲۸۵؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۳۸.
۶. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۴۲، ۲۸۴-۲۸۵؛ همچنین رک: المعتمد، ج ۱ ص ۵۹-۶۰.
۷. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵. همچنین رک: المقنعة، ص ۵۸۶؛ المراسم العلویة، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ النهایة، ص
۳۶۴؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۳۶۴؛ إصباح الشیعة، ص ۳۹۲؛ السرائر، ج ۲ ص ۲۱۹، ج ۳ ص ۱۲۵؛ المختصر النافع،
ج ۲ ص ۲۵۴؛ شرائع الإسلام، ج ۲ ص ۳؛ ج ۳ ص ۱۷۹؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۳۵۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱ ص ۱۲؛
تلخیص المرام، ص ۲۷۳؛ قواعد الأحکام، ج ۲ ص ۶، ج ۳ ص ۳۳۰؛ الانتصار فی انفرادات الإمامیة، ص ۴۲۴-۴۲۵.

پنج. نجاست آهن؛ که در روایت از عمّار در این مسأله به ما رسیده است.^۱
 شش. لزوم سه بار شستن کوزه یا ظرف نجس برای تحصیل طهارت؛^۲
 هفت. وجوب دست کشیدن (دلک) به ظرفی که با شراب نجس شده است در هنگام
 شستشوی آن، برای تحصیل طهارت؛^۳
 هشت. جواز وضو گرفتن با سؤر (نیم خورده) یهودی یا وضو گرفتن از ظرفی که یهودی از
 آب موجود در آن نوشیده است؛^۴
 نه. کافی نبودن استفاده از سه سنگ در استنجا (طهارت) از غایط و وجوب اعاده نمازی
 که پس از این نحو استنجا، در اثر فراموشی خوانده شده است؛^۵
 ده. جایز نبودن قرار دادن جبیره‌ای در محل وضو که امکان نفوذ آب در زیر آن و یا برداشتن
 آن در هنگام وضو وجود ندارد؛^۶ و در این صورت، وضو باطل است.^۷
 یازده. کفایت نفوذ آب در زیر جبیره و عدم لزوم برداشتن آن برای وضو؛^۸
 دوازده. کفایت مقدار مشخصی آب^۹ برای غسل زن در صورتی که نخواهد موی خویش را
 باز کند؛^{۱۰}

سیزده. وجوب غسل مس میت پس از لمس میتی که غسل داده شده است؛^{۱۱}

۱. الکافی، ج ۳ ص ۳۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۳۴۵، ۴۲۵-۴۲۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۹۶؛ نیزرک: المعتبر، ج ۲ ص ۹۸.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵؛ نیزرک: الخلاف، ج ۱ ص ۱۸۲-۱۸۳؛ الاقتصاد، ص ۲۵۴؛ المبسوط، ج ۱ ص ۱۵؛ مصباح المتعجد، ج ۱ ص ۱۴؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۸۰؛ إصباح الشيعة، ص ۲۶؛ السرائر، ج ۱ ص ۹۲؛ نهاية الأحکام، ج ۱ ص ۲۹۶.
۳. الکافی، ج ۶ ص ۴۲۷-۴۲۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۳؛ ج ۹ ص ۱۱۵-۱۱۶.
۴. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۵؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۵۲.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۵.
۶. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۲۵-۴۲۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۷۸.
۷. رک: المعتبر، ج ۱ ص ۱۶۱.
۸. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۷۸.
۹. این مقدار در حدیث عمّار این گونه بیان شده است: «مِثْلُ الَّذِي يَشْرِبُ شَعْرَهَا، وَهُوَ ثَلَاثُ حَفَنَاتٍ عَلَى رَأْسِهَا، وَ حَفَنَتَانِ عَلَى الْيَمِينِ، وَ حَفَنَتَانِ عَلَى الْيَسَارِ، ثُمَّ تُؤْمَرُ يَدَاهَا عَلَى جَسَدِهَا كُلِّهِ»؛ مقداری که موهایش می‌نوشد؛ و آن سه مُشت بر سر، و دو مُشت بر سمت راست، و دو مُشت بر سمت چپ است، آن گاه دستش را بر تمام بدنش بکشد.
۱۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۱ ص ۱۰۰؛ نیزرک: المقنعة، ص ۵۴؛ منتهی المطلب، ج ۲ ص ۲۰۳-۲۰۲؛ مفتاح الكرامة، ج ۳ ص ۳۶-۳۷.
۱۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۳۰؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۱۰۰-۱۰۱؛ نیزرک: منتهی المطلب، ج ۲ ص ۴۵۶-۴۵۷.

چهارده. یک سان بودن کیفیت انجام تیمم بدل از غسل و تیمم بدل از وضو.^۱
احادیث دلالت کننده بر این دوازده حکم را تنها عمار روایت کرده است.
البته این نکته نیز شایان ذکر است که در برخی از این موارد، حکم کردن به این که احادیث عمار با فتوای عامه موافق نیست، با تحقیقی اندک صورت پذیرفته است. لذا نیاز به بررسی بیشتری دارد؛ هر چند در هر صورت، این مطلب در اصل اعراض قدما از این احادیث تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

۲. عمل فقهای متقدم به احادیث موافق قاعده عمار

گاهی استناد فتوا به احادیث عمار در حالی صورت گرفته است که حدیث، هم آهنگ با قاعده بوده است. مراد از «قاعده» در اینجا قاعده فقهی، اصل عملی، اجماع و یا هر دلیل عامی است که با وجود آن، نبودن این احادیث عمار، موجب تغییر فتاوی فقهای متقدم نمی‌شده است. شاید بتوان گفت که در این موارد، فقهای متقدم در مواجهه با این قسم از احادیث عمار، فتوای خویش را به جای استناد به قاعده، به روایت عمار مستند کرده اند.
دوازده حکم مستند شده به احادیث عمار که موافق قاعده هستند، عبارت اند از:
یک. عدم وجوب استنجا (تطهیر محل غایط) به خاطر خروج ریح (باد) از شکم؛^۲
دو. واجب نبودن شستن داخل مخرج برای استنجا از غایط؛^۳
سه. نجس نبودن عرق زن حیض؛^۴
چهار. نجس نشدن لباس یا بدن در اثر برخورد با آبی که با آن، غسل جنابت صورت می‌گیرد؛^۵
پنج. کفایت انجام یک غسل برای تحصیل طهارت هم زمان از جنابت و حیض؛^۶
شش. یکسان بودن کیفیت انجام تیمم بدل از غسل‌های مختلف؛^۷

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۰۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۱۶۲؛ نیز رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۰۴؛ منتهی المطلب، ج ۳ ص ۱۰۷-۱۰۱.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۴، ۴۵، ۵۲؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۵۲؛ نیز رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۲.
۳. الکافی، ج ۳ ص ۱۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۵، ۵۲، ۳۵۵؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۵۲.
۴. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۷۰؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۱۸۶.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۱۱۶؛ همچنین رک: المقنعة، ص ۴۷.
۶. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۳۹۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۱۴۷؛ نیز رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۸۷؛ فقه الرضا (ع)
ص ۱۹۳؛ السرائر، ج ۱ ص ۱۲۳، ۱۵۱؛ منتهی المطلب، ج ۲ ص ۴۰۵.
۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۰۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۱۶۲، ۲۱۲.

هفت. جواز خوردن بقیه نانی که قسمتی از آن را سگ (و مانند آن) خورده باشد، به شرط جدا کردن قسمت آلوده شده آن؛^۱

این هفت حکم علاوه بر استناد به احادیث عمار، می‌توانند به احادیث افراد دیگری نیز مستند شوند.

هشت. سرایت نجاستِ فضله موش، تنها به قسمتی از آرد (و غیر آن) که برخورد مستقیم با فضله داشته است؛^۲

نه. عدم نجاست قی (استفراغ)؛ که از دو حدیث عمار، امکان استنباط دارد.^۳

ده. عدم تلازم شرعی بین شستن مخرج بول و غایط در صورت نجس شدن تنها یکی از آن‌ها؛^۴ یازده. صحت غسل در صورت زایل نشدن (رنگ) زعفران از بدن به وسیله شستن؛^۵ دوازده. اصل بودن طهارت.^۶

در صورت در نظر گرفتن قاعده، این پنج حکم (از حکم هشت تا دوازده) تنها به احادیث عمار مستند می‌شوند.

۳. عمل فقهای متقدم به احادیثی از عمار که دیگران نیز مفاد آن را روایت کرده‌اند

پذیرش روایت عمار، گاه در سایه اعتماد به احادیث دیگران محقق شده است. دوازده

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵؛ نیز رک: من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۵.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۸۴، ۲۳۴؛ إصباح الشیعة، ص ۵۵؛ المعبر، ج ۱ ص ۴۱۹؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۳۸؛ السرائر، ج ۱ ص ۱۸۴، ۲۳۴؛ إصباح الشیعة، ص ۵۵؛ المعبر، ج ۱ ص ۴۱۹؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۴۶۰-۴۶۱؛ منتهی المطلب، ج ۳ ص ۲۳۷-۲۳۸؛ تحریر الأحکام الشرعیة، ج ۱ ص ۱۵۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱ ص ۵۵. برای فتوای عامه در این بحث رک: المهدب للشیرازی، ج ۱ ص ۴۷؛ المجمع، ج ۲ ص ۵۵۱؛ الإنصاف، ج ۱ ص ۳۳۱؛ مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۷۹؛ الکافی (ابن قدامة)، ج ۱ ص ۱۱۰؛ بدائع الصنائع، ج ۱ ص ۶۰. تذکرة الفقهاء، ج ۱ ص ۵۵؛ تلخیص المرام، ص ۱۸.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۵، ۵۲؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۵۲؛ نیز رک: من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۲؛ المعبر، ج ۱ ص ۱۷۴-۱۷۵.

۵. الکافی، ج ۳ ص ۸۲-۸۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۰۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۰۰؛ نیز رک: منتهی المطلب، ج ۲ ص ۴۰۸.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵؛ همچنین رک: المقنع، ص ۱۵؛ المعبر، ج ۱ ص ۴۱۰-۴۱۴؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۴۶۶.

حکمی که با چنین مشخصه‌ای وجود دارند عبارت اند از:

یک. نجس نبودن آن چه خون ندارد و مرده است؛^۱

دو. نجس نبودن بول و غایط حیوان حلال گوشت؛^۲

سه. نجس نبودن سؤر حیوان حلال گوشت و پرندگان در صورتی که خون در منقارشان باقی نمانده باشد؛^۳

چهار. نجس نشدن آب کثیر (کتر) چاه با افتادن زنبیلی از مدفوع مرطوب یا خشک در آن؛^۴

پنج. جواز خوردن بقیه نانی که قسمتی از آن را موش و مانند آن خورده باشد، به شرط جدا کردن قسمتی که با دهان حیوان برخورد داشته است؛^۵

شش. نجس بودن شراب؛^۶

هفت. طهارت نبیذ^۷ در صورت کم شدن دو سوم از آن با جوشیدن و بخار شدن؛^۸

هشت. عدم وجوب شستن داخل بینی از خون؛^۹

نُه. وجوب ریختن آبِ دو ظرفی که علم به نجاست یکی از آن دو به وجود آمده، ولی قابل تمییز نیستند، و وجوب تیمم در صورت عدم دسترسی به آبی غیر از این دو؛^{۱۰}

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۳۰-۲۸۴، الاستبصار، ج ۱ ص ۲۶؛ نیزرک: الخلاف، ج ۱ ص ۱۸۸؛ المعتمد، ج ۱ ص ۱۰۱.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۶۶.
۳. الکافی، ج ۳ ص ۹-۱۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۲۴، ۲۲۸؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۲۵.
۴. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۱۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۴۲؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۷-۱۸؛ المقنع، ص ۳۲؛ أجوبة المسائل المهنائية، ص ۶۰؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۱۸۷-۱۸۸؛ منتهی المطلب، ج ۱ ص ۵۶-۶۳.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۵، ۷۴؛ مختلف الشیعة، ج ۱ ص ۴۶۴.
۶. الکافی، ج ۶ ص ۴۲۷-۴۲۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۳؛ ج ۹ ص ۱۱۵-۱۱۶؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۷۴؛ المقنع، ص ۴۵۳؛ الخلاف، ج ۳ ص ۲۴۱.
۷. در متن سؤال یک روایت، تعبیر به «نضوح»، و در روایت دیگر تعبیر به «نضوح معتق» آمده است. نضوح، اگر چه در کتب لغت به معنای طیب (عطر) یا نوعی از آن آمده است (کتاب العین، ج ۳ ص ۱۰۷، ماده «نضح»؛ لسان العرب، ج ۲ ص ۶۲۰، ماده «نضح»)، ولی مراد، به قرینه پاسخ (که به امام علیه السلام نسبت داده شده است) نبیذی است که از خرما گرفته می‌شود.
۸. تهذیب الأحکام، ج ۹ ص ۱۱۶-۱۱۷؛ نیزرک: المقنع، ص ۴۵۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۵۷؛ فقه الرضا علیه السلام ص ۲۸۰؛ المقنعة، ص ۷۳؛ ۷۹۹-۸۰۰؛ المسائل الناصریات، ص ۷۴-۷۶.
۹. الکافی، ج ۳ ص ۵۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۲۰-۴۲۱؛ نیزرک: منتهی المطلب، ج ۳ ص ۱۸۸-۱۸۹.
۱۰. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۴۸، ۴۰۷؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۷؛ المقنع، ص ۲۸؛ المعتمد، ج ۱ ص ۱۰۳-۱۰۴؛ الکافی، ج ۳ ص ۱۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۴۹؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۲۱.

ده. عدم جواز ورود به محل قضای حاجت با انگشتی که بر آن نام خدا نوشته شده است؛^۱ یازده. عدم جواز استنجا با دستی که انگشتی در آن است که نام خداوند بر آن نوشته شده است؛^۲

دوازده. وجوب غسل مس میت در صورت لمس میت قبل از انجام غسل های سه گانه؛ حال چه لمس توسط غسل صورت گرفته باشد یا توسط دیگری.^۳

۴. عمل فقهای متقدم به احادیث منفرد عمار

هر چند که فقهای متقدم، احادیث عمار را در فرض وجود مؤیدی (اعم از قاعده یا احادیث دیگران) پذیرفته اند، ولی پنج حدیث از مجموعه احادیث منفرد عمار در کتاب الطهارة، بدون داشتن مؤید (البته در حد اطلاعات موجود)، مورد پذیرش قرار گرفته است. این پنج حکم عبارت اند از:

- یک. وجوب سه بار شستن ظرفی که در آن شراب نوشیده شده است؛^۴
- دو. وجوب هفت بار شستن ظرفی که در آن نبیذ نوشیده شده است؛^۵
- سه. وجوب هفت بار شستن ظرفی که جُرْذ (قسمی از موش) در آن مُرده است؛^۶

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۳۱؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۴۸؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۲۹؛ الهدایة فی الأصول و الفروع، ص ۷۸.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۳۱؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۴۸؛ نیزرک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۲۹؛ الهدایة فی الأصول و الفروع، ص ۷۸-۷۹؛ المقنعة، ص ۴۱؛ المراسم العلویة، ص ۳۳؛ المبسوط، ج ۱ ص ۱۸؛ إصباح الشیعة، ص ۲۷؛ شرائع الإسلام، ج ۱ ص ۱؛ المختصر النافع، ج ۱ ص ۵؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱ ص ۱۱۹-۱۲۲؛ تلخیص المرام، ص ۶؛ تبصرة المتعلمین، ص ۲۵-۲۶؛ قواعد الأحکام، ج ۱ ص ۱۸۰-۱۸۱.
۳. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۴۳۰؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۱۰۰-۱۰۱.
۴. الکافی، ج ۶ ص ۴۲۷-۴۲۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۳؛ ج ۹ ص ۱۱۵-۱۱۶؛ نیزرک: المقنعة، ص ۷۳؛ المراسم العلویة، ص ۳۶؛ المبسوط، ج ۱ ص ۱۵؛ النهایة، ص ۵۹۲؛ الاقتصاد، ص ۲۵۴؛ الجمل و العقود فی العبادات، ص ۵۷؛ المهدب (ابن البرزنجی)، ج ۲ ص ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۴؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۸۰؛ الرسائل التسع، ص ۳۳۹؛ المختصر النافع، ج ۱ ص ۲۰؛ شرائع الإسلام، ج ۱ ص ۴۸؛ المعتمر، ج ۱ ص ۴۶۰؛ أجوبة مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفة، ص ۱۶۵؛ كشف الرموز، ج ۱ ص ۱۲۱؛ تلخیص المرام، ص ۱۸.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۹ ص ۱۱۶-۱۱۷؛ نیزرک: مصادری که در پاورقی قبل، ذکر شد.
۶. جُرْذ به موشی تریا موشی نر بزرگ گفته می شود (لسان العرب، ج ۳ ص ۴۸۰، ماده «جرذ»).
۷. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۸۴-۲۸۵؛ نیزرک: مصباح المتعجل، ج ۱ ص ۴؛ النهایة، ص ۵-۶؛ المبسوط، ج ۱ ص ۱۵؛ الجمل و العقود فی العبادات، ص ۵۷؛ الخلاف، ج ۱ ص ۱۸۳؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۸۰؛ إصباح الشیعة، ص ۲۶؛ السرائر، ج ۱ ص ۹۳؛ نهاية الإحکام، ج ۱ ص ۲۹۶؛ التقیح الرابع، ج ۱ ص ۱۵۹.

چهار. جایز نبودن لمس اسم خداوند توسط جُئِب؛^۱

پنج. وجوب نزع هفتاد دلواز چاه، در صورت افتادن انسان و مرگ او در آن، همچنان وجوب نزع یک دلودر صورت افتادن گنجشک و مرگ آن در چاه، و نزع چند دلودر صورت ریختن خون پرنده ذبح شده در چاه.^۲

اما در چهار حدیث اول، ادعای عمل فقهای متقدم یا استناد عمل ایشان به احادیث عمار با چالش همراه است؛ زیرا در دو حکم اول (اول و دوم) ادعای طرح شده با مشکلات فراوانی روبه رو است؛ از جمله این که وجوب سه مرتبه شستن ظرف شراب، فتوای مشهور فقهای متقدم نیست. افزون بر این، فرق گذاشتن بین ظرف شراب و ظرف نبیذ در فتوای فقهای متقدم سابقه ای ندارد. لذا با وجود این که وجوب شستن هفت باره، تنها مربوط به ظرف نبیذ بوده و در مورد ظرف شراب، مشخصاً شستن سه باره بیان شده است، ولی حکم شستن هفت باره را در مورد ظرف شراب نیز ذکر کرده اند. البته برخی نیز این حکم را به نحو استصحابی قبول کرده اند. این در حالی است که اکثر فقهای متقدم نسبت به ظرف نبیذ بحثی مطرح نکرده اند؛ با این که حدیث شستن هفت باره، در همین خصوص است. بله، با استناد به عدم فرق میان این دو (نبیذ و شراب) طبیعتاً همین حکم در مورد ظرف نبیذ نیز وجود دارد، و حتی در کلام برخی فقهای متقدم، این حکم به سایر مُسکرات نیز سرایت داده شده است.^۳ همچنین احتمال دیگری نیز در فتوا به این حکم وجود دارد و آن، موافقت این حکم با احتیاط است. در نتیجه، می توان گفت که در این مورد نیز یکی از دو حدیث عمار (شستن سه باره ظرف شراب) با اعراض مواجه شده، و عمل به حدیث دیگر (شستن هف باره ظرف نبیذ) نیز در اکثر فتاوای منعکس نشده و احتمالاً به خاطر یکسان دانستن حکم نبیذ و شراب (و سایر مسکرات) بوده است، ولی با توجه به این که حدیث عمار در مورد ظرف شراب، تصریح به سه بار شستن کرده، اما فقهای متقدم به شستن هفت باره آن فتوا

۱. تهذیب الأحکام، ص ۳۱، ۱۲۶؛ الاستبصار، ج ۱ ص ۴۸، ۱۱۳؛ نیز رک: المعتمر، ج ۱ ص ۱۸۷-۱۸۸؛ منتهی المطلب، ج ۲ ص ۲۲۰.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱ ص ۲۳۴-۲۳۵، ۲۴۵-۲۴۶؛ نیز رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۷؛ فقه الرضا (علیه السلام) ص ۹۳-۹۴؛ المقنع، ص ۲۹-۳۱؛ الهدایة فی الأصول و الفروع، ص ۶۹-۷۱. همچنین رک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۷؛ الهدایة، ص ۶۹-۷۱؛ الکافی فی الفقه، ص ۱۳۰؛ غنیة النزوع، ص ۴۸-۴۹؛ المعتمر، ج ۱ ص ۶۲، ۷۲-۷۳؛ منتهی المطلب، ج ۱ ص ۷۶-۷۷.

۳. المبسوط، ج ۱ ص ۱۵؛ المهذب، ج ۲ ص ۴۳۲.

داده‌اند، معلوم نیست که مستند در حکم ظرف نبیذ نیز خصوص حدیث عمار باشد، و احتمالاً حدیث دیگری نیز وجود داشته است که به دست ما نرسیده است.

حکم سوم (وجوب شستشوی هفت مرتبه ظرفی که جُرْذ در آن مرده است) نیز هر چند با اعراض مشهور فقهای متقدم مواجه نشده، اما در فتوای اکثر متقدمین نیز راه پیدا نکرده است.

حکم چهارم (عدم جواز لمس اسم خداوند توسط جُنُب) نیز با اعراض برخی قدما، خصوصاً دو تن از صاحبان کتب اربعه (کلینی و صدوق) مواجه شده است. افزون بر این، در فتوای اکثر متقدمین نیز اثری از این حکم وجود ندارد. در برخی موارد نیز که این فتوا وجود دارد، شواهدی وجود دارد که احتمالاً این فتوا تحت تأثیر موافقت آن با احتیاط بوده است.^۱ پس در این موارد پنج گانه، تنها یک حدیث، بدون داشتن مؤیدی موجود، مستند فتوای مشهور متقدمین بوده، و آن حکم پنجم (نزع آب چاه به مقادیر مشخص) است. با توجه به نوع برخورد فقهای متقدم با مجموعه احادیث عمار، می‌توان احتمال قوی داد که عمل متقدمین به این حدیث نیز به خاطر وجود مؤیدی بوده است؛ هر چند اکنون این مؤید به دست ما نرسیده است. بله، ظاهراً فقهای متقدم به خاطر قبول کبرایی کلی (نجس شدن آب چاه با ملاقات با نجاست) این حدیث را قبول کرده‌اند؛ چرا که از طرفی برای افتادن بسیاری از حیوانات در چاه، حکم خاصی بیان شده بود (نزع مقدار مشخصی از آب چاه) و از سوی دیگر در این حدیث، حکم سه چیزی که در احادیث دیگر بیان نشده بود، توسط عمار روایت شده است. البته این حکم و جمیع احکام مربوط به نزع آب چاه (در صورت تغییر نکردن رنگ و بو و مزه آن) توسط علامه مورد تردید قرار گرفت و فتوای مشهور متأخرین در این زمینه، مخالف فتوای قدما است.

۵. نتیجه‌گیری

عمار سبابطی از جمله راویان حدیث شیعه و از سرکردگان مذهب فطحیه بوده است. در کتاب الطهارة ۴۸ حکم وجود دارد که می‌تواند از احادیث عمار استفاده شده باشد. بررسی شیوه مواجهه فقهای متقدم (تا قبل از علامه حلی) با احادیث عمار در این کتاب نشان از آن

۱. المعتمر، ج ۱ ص ۱۸۷-۱۸۸.

دارد که حجم زیادی از مجموعه احادیث عمار (خصوصاً احادیث منفرد او) مورد اعراض و روی گردانی ایشان قرار گرفته است. از طرفی نیز اقبال فقهای متقدم به این احادیث در صورتی بوده است که مؤیدی از نوع قاعده عام (اعم از قاعده فقهیه، اصل عملی، اجماع و یا دلیل عامی دیگر) وجود داشته باشد. در کتاب الطهارة تنها یک حدیث منفرد از عمار وجود دارد که بدون مؤیدی موجود، مفاد آن راه به فتوای متقدمین باز کرده است. با توجه به این که این مورد برخلاف رویه ایشان در برخورد با سایر احادیث عمار است، می توان احتمال قوی داد که آن روایت نیز دارای شاهد یا شواهدی برای قبول بوده که عمل به آن را توجیه می نموده است؛ هر چند امروزه آن شواهد در اختیار ما نیست.

کتابنامه

- أجوبة مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفة، ابن ادریس حلی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۹ق.
- أجوبة المسائل المهتائية، حسن بن یوسف معروف به علامه حلی، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ق.
- الاستبصار، محمد بن الحسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قطب الدین محمد بن الحسین کیدری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن الحسن طبرسی، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، محمد بن الحسن طوسی، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ق.
- الانتصار فی انفرادات الإمامیة، علی بن حسین معروف به سید مرتضی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- الإنصاف، علی بن سلیمان مرداوی حنبلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- «بازسازی کتاب عمار بن موسی ساباطی»، مجتبی وظیفه دوست، رساله سطح سه مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۹۷ش.
- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، أبوبکر بن مسعود کاسانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.

- «تأثیر روایات عمّار بن موسی السّباطی فی کتاب الطهارة»، مصطفی بارگاهی، رساله سطح سه مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۹۹ ش.
- تبصرة المتعلمین، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- تحریر الأحكام الشرعية، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
- تلخیص المرام فی معرفة الأحكام، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- التفیح الرائع لمختصر الشرائع، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن الحسن طوسی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- الجمال و العقود فی العبادات، محمد بن الحسن طوسی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ ق.
- الخلاص، محمد بن الحسن طوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- رجال البرقی، احمد بن محمد برقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- رجال الطوسی، محمد بن الحسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین، ۱۳۷۳ ش.
- رجال الکشی، محمد بن عمر کشتی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین، ۱۳۶۵ ش.
- الرسائل التسع، جعفر بن الحسن معروف به محقق حلّی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ ق.
- السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادريس حلّی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن معروف به محقق حلّی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

- شمس العلوم، نشوان بن سعيد حميري، بيروت، دار الفكر المعاصر، ١٤٢٠ق.
- غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، ابن زهره حمزة بن علي، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٧ق.
- فقه الرضا (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام)، منسوب به امام رضا عليه السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٦ق.
- الفهرست، محمد بن الحسن طوسي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ١٤٢٠ق.
- قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، حسن بن يوسف معروف به علامه حلّي، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
- الكافي في الفقه، أبو الصلاح تقى الدين بن نجم الدين حلبى، اصفهان، كتابخانه عمومى امام امير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم: نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
- كشف الرموز في شرح المختصر النافع، حسن بن أبى طالب معروف به فاضل أبى، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٧ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مكرم، بيروت، دار الفكر- دار صادر، ١٤١٤ق.
- المبسوط في فقه الإمامية، محمد بن الحسن طوسي، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٧ق.
- المجموع شرح المهذب، محيى الدين يحيى بن شرف نووى، بيروت، دار الفكر، بى تا.
- المحيط في اللغة، صاحب بن عباد، بيروت، عالم الكتاب، ١٤١٤ق.
- المختصر النافع، جعفر بن الحسن معروف به محقق حلّي، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، ١٤١٨ق.
- مختلف الشيعة، حسن بن يوسف معروف به علامه حلّي، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٣.
- مرآة العقول في شرح أخبار الرسول، محمد باقر مجلسى، دوم، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٤٠٤هـ.
- المراسم العلوية، حمزة بن عبد العزيز سلار، قم: منشورات الحرمين، ١٤٠٤ق.
- المسائل الناصريات، على بن حسين معروف به سيد مرتضى، تهران، رابطة الثقافة و العلاقات

الإسلامية / ۱۴۱۷ق.

مصباح المتهدج، محمد بن الحسن طوسی، بیروت، مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق.

المصباح المنير، احمد بن محمد فيومي، قم: مؤسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ق.

المعتبر فى شرح المختصر، جعفر بن الحسن معروف به محقق حلّی، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، ۱۴۰۷ق.

معجم مقائيس اللغة، ابن فارس، قم: مكتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.

مغنى المحتاج، محمد خطيب شربيني، بيروت، نشر دار الفكر، بی تا.

مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، سيد جواد عاملی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

المقنع، ابن بابويه محمد بن على بن الحسين، قم: مؤسسه امام هادی عليه السلام، ۱۴۱۵ق.

المقنعة، محمد بن محمد معروف به شيخ مفيد، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.

منتهى المطلب، حسن بن يوسف معروف به علامه حلّی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.

من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه محمد بن على بن الحسين، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

المهدّب، ابن براج قاضى عبد العزيز، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.

المهدّب فى فقه مذهب الإمام الشافعى، ابراهيم بن على فيروزآبادى شيرازى، بيروت، نشر دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۴ق.

نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام، حسن بن يوسف معروف به علامه حلّی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.

النهاية فى مجرّد الفقه و الفتوى، محمد بن الحسن طوسى، بيروت، دار الكتب العربى، ۱۴۰۰ق.

الوفى، محمد بن حسن معروف به فيض كاشانى، اصفهان، كتابخانه امام امير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.

الوسيلة إلى نيل الفضيلة، محمد بن علي بن حمزة طوسي، قم: انتشارات كتابخانه آية الله
مرعشي نجفی، ۱۴۰۸ق.
الهداية في الأصول والفروع، ابن بابويه محمد بن علي بن الحسين، قم: مؤسسه امام
هادی عليه السلام، ۱۴۱۸ق.